

ماندگار

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۸۳۹ چهارشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۶ خالقعدة الحرام ۱۴۳۷ هـ ۱۰ اگست ۲۰۱۶



Azizi Bank Master Card



www.azizibank.af

1515



نهادهای انتخاباتی:

حلقات با نفوذ مانع اصلاحات انتخاباتی اند



صفحه ۳

وزیر آموزش و پرورش:

ظرفیت آموزگاران در ولایات ارتقا می کند



نهاد ناروی برای افغانستان در تهیه لوازم
لابراتواری و توزیع مواد درسی برای ۲۸۳۵
دانش آموز بی بضاعت در ۲۵۰ مکتب ولایات
غزنی، بدخشان و فاریاب که سه میلیون و ۹۶۱
هزار و ۲۵۳ دالر امریکایی هزینه بر میدارد، در
مدت سه سال تطبیق خواهد شد

صفحه ۳

بحران بشری در «پایتخت طالبان»

دهها هزار تن آواره شدند

ادامه جنگهای شدید، نیروهای ناتو
حملات هوایی خود را برای حمایت از
نیروهای افغان افزایش داده اند که
بیانگر شدت جنگ در هلمند است.
یک سخنگوی ناتو گفت که وضعیت
هلمند متشنج است: «نگرانی امنیتی
در آنجا باقی می ماند و چند هفته
است که در آنجا جنگ جریان دارد.
ما مطمئن هستیم که نیروهای افغان
به صورت موثر می جنگند و آن ها به
تامین امنیت شهر لشکرگاه ادامه
خواهند داد.

صفحه ۳



زراندوزی

از خون سربازان

صفحه ۲

د لوگر د ولایتي شورا غړي:

طالبانو د پاکستانی هلیکوپتري عملی خلاصون لپاره شرایط ایسني



د لوگر د ولایتي شورا یو شمېر غړي وايي، طالبانو د پاکستانی
هلیکوپتري د عملی د خوشي کېدو په بدل کې شرطونه ایسني
دي.

دوی وايي چې قومي مشران له طالبانو سره په خبرو بوخت
دي او هڅي کېږي تر څو د دغې هلیکوپتري عمله ژر تر ژره
راخوشي شي.

د لوگر د ولایتي شورا یو شمېر غړي د پاکستانی هلیکوپتري د
ټولې عملی د روغتیا ډاډ ورکوي او وايي چې د هغوی د خوشي
کېدو هڅي جريان لري.

د دغې شورا یو غړي عبدالولي وکیل د سې شنبې په ورځ ازادي
راډیو ته وویل چې له طالبانو سره په دې برخه کې د لوگر د
قومي مشرانو خبرې هیله بخښونکي وې او ډېر ژر به دا خبرې
نتیجه ورکړي.

نوموړي زیاته کړه چې طالبانو د دغو کسانو د خوشي کولو په
بدل کې شرطونه ایسني دي.

هغه زیاته کړه:

«قومي مشران وخت په وخت له دوی سره ویني، عمله به هرو
مرو جوړه وي، هڅي جريان لري او هیله شته چې دوی به ژر
تر ژره خوشي کېږي، کوم شرطونه چې دواړو خواوو وړاندي
کړي داسې نه دي چې دا مساله گډه وده کړي.»

خو ښاغلي وکیل د دغو شرایطو په اړه جزیات ورته کړل.
چارواکي وايي، دغې پاکستانی هلیکوپتري ټېره پنجشنبې د
تخنیکي ستونزو له امله د لوگر په ازري ولسوالۍ کې بېرته
ناسته وکړه او عمله یې چې شپږ پاکستانیان او یو روسی انجینیر
و، طالبانو پرغمل کړل.

د افغانستان ولسمشر امنیتي ځواکونو ته امر کړی چې دغه
پرغمل شوي کسان د طالبانو له منگولو را خوشي کړي او یو
پلاروی هم د دې کار څېړلو ته گمارل شوی دی.

د افغانستان د دفاع وزارت هم ویلي چې د پاکستانی هلیکوپتري د
عملی د ژغورلو لپاره پراخ عملیات دوام لري.

په همدې حال کې قومي مشر حاجي نیک محمد چې
له طالبانو سره یې په ازره کې لیدلي ډاډ ورکوي چې د دغې
هلیکوپتري د عملی د خوشي کولو لپاره به د دوی خبرې مثبتې
نتیجې ولري.

هغه زیاته کړه:

«خبرې ښې رواني دي او تاسو ته مونږ ډاډ درکوي چې ان شالله
خبرې او هڅې به منزل ته رسېږي.»

نوموړي وايي، تر هغو چې دغه کسان را خوشي شوي نه وي،
خپلو هڅو ته به دوام ورکړي.

د روسیې د بهرنیو چارو وزارت هم ویلي چې له طالبانو سره د
خبرو په شمول به د روسی وگړي د خوشي کېدو لپاره له ټولو
ممکنه لارو کار واخلي.

۴ ماه

بدون هیچ امکاناتی تمرین کردم



ستیز با

ادبیات گفتاری از: ورج اورول



نیولبرایسم

در رس گفاره های میشل فوکو



عدو شود

سبب خیر اگر خدا خواهد



در بوم ها

احمد عمران



عدو شود سبب خیر

اگر خدا خواهد

و مناطق از دست‌رفته‌اش را دوباره درحال بازپس‌گیری است. در دو هفته پیش، مقامات امنیتی کشور در سفر به ولایت قندوز هشدارهایی را به طالبان صادر کرده بودند. این نوع فشارها بدون شک سبب حمایت این دو گروه از یکدیگر شد و این یک دستاورد برای دولت افغانستان هم هست تا بفهمند که روی طالبان در برابر داعش نمی‌توان حساب کرد.

در هفته‌های اخیر، فرماندهان امریکایی، نیروهای بیشتری را در افغانستان توظیف کرده‌اند تا یک عملیات تهاجمی مشترک را با نیروهای امنیتی افغانستان - که عملیات‌های سنگین زمینی و هوایی را شامل می‌شود - به هدف از بین بردن فرماندهان شورشیان راه‌اندازی کنند. عملیات‌های نیروهای امریکایی و افغانستانی در شرق افغانستان، بسیاری از مراکز این گروه را در چندین ولسوالی ننگرهار از بین برده است. این عملیات‌ها باعث شده است که شورشیان گروه دولت اسلامی، بیشتر به مناطق کوهستانی و مرزی و همچنان به شمال ننگرهار در ولایات کنر و نورستان متواری شوند. حالا انتظار می‌رود که تمرکز عملیات به ولایات همجوار به شمول کنر نیز توسعه یابد و جنگجویان فراری را تا مناطقی مقصد و پناه‌گاه‌های امن‌شان نیز تعقیب کند. شکی نیست که آغاز عملیات‌های ارتش پاکستان در برابر طالبان پاکستانی نیز سبب خواهد شد که نیروهای آن‌ها وارد افغانستان شوند و این‌گونه صف داعش و طالبان تقویت گردد. اکنون آتش‌بس، به یک اتحاد واقعی میان این دو گروه مسلح مخالف دولت تبدیل شده و این تجربه، هر دو گروه را به هدف واحدی تشویق می‌کند و به همین پیمان، دیدگاه دولت و نیروهای امنیتی را در برابر آنان یکسان می‌سازد و از این منظر، این یک بُرد برای ما محسوب می‌شود. پاکستانی‌ها دوست دارند طالبان و داعش را به عنوان جریان‌های بسیار مستحکم حفظ کنند و هر لحظه قدرت فشار وارد کردن بر دولت و برنامه‌های جاری‌اش را داشته باشند. از این رو، اتحاد طالب و داعش امری پسندیده است و باید نیروهای امنیتی از آن استقبال کنند. این اتحاد می‌تواند از محاسبه‌ها و سردرگمی‌های بی‌جای برخی‌ها روی طالبان جلوگیری کند و سبب تمرکز فعالیت‌های نظامی بر آنان به عنوان یک کتله واحد شود.

هر دو گروه جنگ علیه همدیگر را متوقف کرده و تنها برضد نیروهای حکومتی بجنگند. حاصل توافق آنان نیز این بوده که گروه دولت اسلامی یا داعش، توانسته به جنگ علیه نیروهای دولت و نیروهای بین‌المللی، تمرکز کند و دامنه جنگ را به کنر - یکی از سنگرهای دیرین طالبان و القاعده - بکشاند؛ چیزی که به شدت می‌تواند مایه نگرانی باشد.

هرچند حضور داعش در ولایت‌های مختلف کشور دیده شده است، اما آن گروه فقط در یک استقامت می‌جنگد و نمی‌خواهد قوت خود را در چندین استقامت به تحلیل ببرد. بنابراین داعش با توافق کنونی با طالبان، کار را آسان ساخته و پاکستان با چنین مدیریتی سعی می‌کند گروه‌های مختلف را یکی سازد، بدون آن‌که یکی هویت دیگری را بپذیرد. مدتی است که جنگ طالب و داعش پایان یافته است و این به ما خبر می‌دهد که طالبان در این شب و روزها می‌توانند مانورهایی را انجام دهند.

داعش و طالبان، دو گروهی‌اند که از یک کانال حمایت می‌شوند و این باید مورد توجه کشورهای قرار گیرد که یکی را تهدید و دیگری را دوست یا ابزار خود تلقی می‌کنند. اکنون در ولایت کنر، جنگجویان گروه دولت اسلامی برای گفت‌وگو در مورد آرمان مشترک هر دو گروه یا همان بنیان‌گذاری یک نظام حقوقی ظاهراً شرعی و اسلامی، به اعضای طالبان نزدیک شده‌اند. آن‌ها به این منظور با باشندگان محل نیز در مساجد دیدار می‌کنند تا روی اعتقادات و تهیه غذای جلسه‌های‌شان در اماکنی که ایده‌های‌شان بررسی می‌شود، گفت‌وگو کنند. این نیرنگ‌ها بدون شک در جامعه خالی از مطالعه و کتاب و فکر، می‌تواند سبب فریب بسیاری از افکار عقیم شود. اما دولت باید با اقدامات بازدارنده، مانع شکار جوانان توسط افراطیان گردد.

با آن‌که قساوت گروه داعش و طالبان در عراق و سوریه و افغانستان تجربه شده است، اما ماشین‌های استخباراتی این توانایی را دارند که جوان‌های مناطق محروم و بی‌سواد را به دامن اتحاد گروه دولت اسلامی با طالبان سوق دهند. این‌همه در حالی است که پس از انجام یک عملیات مشترک نظامی توسط نیروهای امنیتی افغانستان و امریکا در ماه فبروری علیه گروه دولت اسلامی، روشن شد که این گروه دوباره سازمان‌دهی شده

اتحاد داعش و طالبان، تحقق رویای برخی‌ها و دیدگاه برخی‌های دیگر است. از دو سال به این سو بود که داعش و طالبان با هم درگیری‌هایی داشتند و حتا نامه‌نویسی‌هایی بین طالبان و داعش صورت گرفت، اما برخی‌ها تحلیل می‌کردند که دشمنی داعش و طالب در افغانستان ادامه دارد و این گروه‌ها تا آخر می‌جنگند. حتا برخی از کشورها محاسبات‌شان را بر بنیاد همین برداشت‌ها داشتند و روی طالبان اندیشیدند.

در این میان، تحلیل‌گرانی هم بودند که می‌گفتند روزی داعش و طالبان یکی می‌شوند و این کار را پاکستان انجام خواهد داد. اکنون این برنامه تحقق یافته است و گروه داعش و طالبان پس از دو سال جنگ شدید علیه همدیگر، مجبور به آتش‌بس در بسیاری از مناطق شرقی افغانستان شده‌اند. این حالت، هر دو گروه شورشی را کمک کرده که در برابر دولت سازمان یابند و به گونه مشترک بجنگند.

قبل از این‌که رسانه‌های خارجی از اتحاد این دو گروه خبر بدهند، رسانه‌های افغانستان به‌خصوص برخی رسانه‌ها از چنین اتفاقی هشدار داده بودند. اما برخورد دولت به‌خصوص ریاست‌جمهوری همچنان در برابر جنگ با طالبان و داعش در حالت نوسان قرار دارد و هنوز مبارزه با این گروه‌ها به شکل هدفمند بسته‌بندی نشده است.

از زمانی که گروه داعش نبردهای خونینی را با گروه‌های طالبان به‌خاطر گسترش قلمرو در چندین ولایت کشور به‌راه انداخته بود، نشانه‌هایی هویدا شد که جنگ این گروه موقتی است و هر زمانی که پاکستان بخواهد، هر دوی آن‌ها را یکی خواهد کرد. زیرا داعش افغانستان، متفاوت‌تر از داعش عراق و سوریه است و پاکستان فقط بخشی از طالبان را داعش ساخته و بیرق‌هایی را از سفیدی به سیاهی برگردانده است. بنابراین بسیار واضح بود که چنین اتفاقی می‌افتد. اما جالب این بود که کسانی در بلندترین کرسی‌های حکومتی، از وضعیت آگاهی نداشتند.

حالا که داعش و طالب متحد شده‌اند، جنگ در هلمند و ننگرهار و فراه بالا گرفته و ولایت‌های دیگری نیز دستخوش ناامنی شده‌اند. اتحاد این گروه سبب شده که جنگ در چندین استقامت در برابر دولت صورت بگیرد. البته عملیات‌های اخیر، هم بر مواضع طالبان و هم داعش سبب شده است که

سخن‌ماندگار

زراندوزی از خون سربازان

گزارش‌هایی که از ولایت هلمند و برخی نقاط دیگر کشور شنیده می‌شوند، خلاف این ارقام و آمار و ادبیاتی است که در سخنان رسمی دولت و سخنگویانش دیده می‌شود. در روزهای پسین، وضعیت در ولایت هلمند اصلاً خوب نیست و ولایت فراه نیز در وضعیت مناسبی قرار ندارد.

ولایت‌های مرکزی شاهد تحركات خرد و کوچکی‌اند که روان مردم را مخدوش کرده است. این‌همه نشان می‌دهد که کسی یا کسانی در تلاش تطبیق یک برنامه منظم به هدف بی‌ثبات کردن بیشتر کشور اند. تلاش‌ها برای راه‌اندازی تقابل مذهبی هم در کشور دیده می‌شود. جدا کردن مردم به نام‌های مختلف نیز شامل همین برنامه است. افزایش ترورها و آدم‌ربایی‌ها و نیز داستان‌های عجیبی که در روزهای پسین اتفاق افتاده، مثل نشست چرخبال پاکستانی در لوگر و مبهم بودن آن رویداد و معلوم نبودن واقعیت آن، ذهنیت‌ها را به شکل‌گیری وضعیتی خطرناک معطوف کرده است.

هر روز، ده‌ها نفر در کشور کشته می‌شوند، اما هیچ وجدان آگاهی نیست که بر آن مکث کند. مقام‌های وزارت دفاع و امنیت ملی کشور چنان به این رویدادها بی‌توجه‌اند که گویی اصلاً از افغانستان نیستند و نیز وزارت داخله بر بنیاد اطلاعات، چنان از دور مدیریت می‌شود که ماهیت وجودی وزیر داخله زیر پرسش قرار گرفته است.

به قول برخی منابع، وزیر داخله نمی‌تواند تغییراتی در وضعیت پدید آورد. افزایش درگیری‌ها در شمال کشور و تقویت افراد حزب اسلامی در ولایت‌های شمالی کابل، نگرانی‌ها را هر روز شدت می‌بخشد. وقتی اعمال و سیاست‌های قومی و یا هم نگاه‌های سلیقه‌بی ریاست‌جمهوری و برخی مقامات دیگر دولتی را ارزیابی می‌کنیم، درمی‌یابیم که این مسوولان به‌جای پرداختن به حل بحران‌ها و ارتقای ظرفیت‌ها، فقط به رقابت‌های سیاسی خویش می‌پردازند و یک بار دیگر در تلاش مدیریت نهادهای انتخاباتی و نیز ارایه اطلاعات غلط به مردم‌اند.

وخامت اوضاع در ولایت‌های هلمند، ننگرهار و فراه اگرچه برای کشور و مردم زیان‌بار است، ولی برای برخی از مقامات و فرماندهان، حکم گاو شیری را دارد. هم‌اکنون افراد زیادی از درک به جیب زدن پول‌هایی که می‌باید در جنگ هزینه شود، به ثروت‌های هنگفت رسیده‌اند اما سرباز اردو و پولیس زیر ضربات دشمن در میدان جنگ، به علت نبود نان و تجهیزات، مظلومانه جان می‌دهند.

از جانب دیگر، عدم انتقال تجربه و آموزش درست به فرماندهان میدان‌های جنگ و گماشتن آن‌ها بر بنیاد سلیقه‌های قومی و سمتی و سیاسی، از دلایلی است که سبب ضعف و ناکامی نیروهای امنیتی ما شده و می‌شود. اگرچه مردم از سربازان جان‌برکف کشور حمایت می‌کنند؛ اما اگر قرار باشد که نهادهای امنیتی را افراد فاسد و زراندوز و یا خام و بی‌تجربه مدیریت کنند، بعید است که بتوانیم به پیروزی قاطع در جنگ با تروریستان دست یابیم.

فرمانده عمومی قوای مسلح کشور که رییس‌جمهور افغانستان است، باید یک بار عمیقاً با خود بیندیشد که: چطور درحالی که خون هزارها سرباز بی‌گناه در میدان‌های جنگ بر زمین می‌ریزد، فرماندهان آن‌ها در کابل، ویلا و تجارت‌خانه می‌سازند؟ چطور کثیری در نهادهای دفاعی با پوست‌های چسبیده به استخوان جان می‌بازند و قلیلی هم با شکم‌های پندیده به‌عشرت می‌گذرانند؟

رییس‌جمهور باید این‌همه درد و ظلم را درک کند و به دور از تعلقات سیاسی و تباری، افرادی را که به وطن و مردم خویش صادق هستند و این صداقت را به اثبات رسانده‌اند، در رأس ارگان‌های امنیتی بگمارد تا جنگ‌های مافیایی خاموشی بگیرند و دیگر، خون سربازان میهن، حساب‌های بانکی مقامات و فرماندهان فاسد را پر نسازد!

وزیر آموزش و پرورش:

ظرفیت آموزگاران در ولایات ارتقا می کند



وزارت آموزش و پرورش به خاطر ارتقای ظرفیت آموزگاران و دانش آموزان در ولایات چهار تفاهم نامه را به ارزش ۱۱،۵ میلیون دالر امریکایی با نهادهای غیر دولتی امضاء کرد.

اسدالله حنیف بلخی وزیر آموزش و پرورش حین امضاء این تفاهم نامه ها با نماینده گان موسسه کمیته ناروی، نهاد پاملرنه و نهاد مردم ضرورت مند افغانستان، دیروز (سه شنبه ۱۹ اسد/مرداد) در یک نشست خبری گفت: وزارت آموزش و پرورش از ایجاد دولت موقت افغانستان به کمک نهادهای و جامعه جهانی، توانسته در راستای بلند بردن ظرفیت دانش آموزان و آموزگاران دست آوردهای چشمگیری داشته باشد.

آقای بلخی افزود: تفاهم نامه هایی که در حال حاضر با نهادهای غیر دولتی امضاء می کنیم، شامل پروژه ساخت ۱۱۰ صنف محلی برای ۳۳۰۰ دانش آموز دختر و پسر از طرف موسسه پاملرنه در ولایات پروان و کاپیسا به هزینه ۴ میلیون و ۴۳۱ هزار و ۳۶۲ دالر امریکایی در مدت پنج سال ساخته خواهد شد.

وزیر آموزش و پرورش بیان کرد: هم چنان، پروژه دوم این تفاهم نامه شامل ساخت ۲۰۴ صنف درسی برای ۵۶۶۵ دانش آموز در ولایات خوست، پروان، پکتیا و کاپیسا است که به هزینه سه میلیون و ۷۳۳ هزار و ۶۲۴ دالر امریکایی در مدت سه سال توسط موسسه پاملرنه ساخته می شود.

آقای بلخی بیان داشت که مجموع هزینه چهار تفاهم نامه امضاء شده از طرف وزارت معارف، ۱۱ میلیون و ۵۱۲ هزار و ۳۱۵ دالر امریکایی است و شفافیت را در این برنامه ها از طرف نهادهای تطبیق کننده خواهان شد.

آقای بلخی در قسمت از سخنان خود همکاری مردم را با نهاد آموزش و پرورش در ولایات مختلف را مهم خوانده افزود: در برخی ولایات جنوب، جنوب غرب و جنوب شرق نسبت مشکلات امنیتی دروازه حدود ۵ - ۶ صد مکتب بسته است که با همکاری محاسن سفیدان مناطق در تلاش بازگشایی آن هستیم.

او گفت: در برخی از ولایات مخالفان مسلح دولت با باز بودن مکاتب مشکل ندارند؛ اما از طرف های درگیر جنگ خواست که از مراکز آموزش و پرورش را نظامی و جنگی نسازند.

در همین حال، باورها بر این است این کمک های می تواند در ترقی و انکشاف کیفیت آموزش و پرورش موثر تمام شود.

اسد الله حنیف بلخی وزیر آموزش و پرورش پس از قرار گرفتن در سمت این وزارت، مسوولان پیشین این وزارت را به تشکیل استادان و مکاتب خیالی متهم کرد.

فاروق ورک وزیر پیشین آموزش و پرورش که یکی از طرف داران اشرف غنی در دوره کمپاین انتخابات بود، از طرف وزیر جدید آموزش و پرورش متهم به تشکیل مکاتب و استادان خیالی در معارف افغانستان است؛ اما آقای وردک اخیراً به حیث مشاور ریاست جمهوری برگزیده شده است. در حالی که در زمان او پول های هنگفت صرف وزارت آموزش و پرورش شد؛ اما هنوز از کیفیت آموزش و پرورش خبری نیست و مکاتب در ولایات ساختمان ندارند و دانش آموزان در فضای آزاد درس می خوانند.

به گفته او، هم چنان، موسسه تحت عنوان « مردم ضرورت مند افغانستان » نیز با ایجاد ۲۸۰ صنف سواد آموزی برای ۵۶۰۰ تن پسران و دختران در ولایات ننگرهار به مصرف ۳۸۶ هزار و ۷۶ دالر امریکایی در مدت دو سال این پروژه را تطبیق خواهد کرد.

او گفت: نهاد ناروی برای افغانستان در تهیه لوازم لائبرتواری و توزیع مواد درسی برای ۲۸۳۵ دانش آموز بی بضاعت در ۲۵۰ مکتب ولایات غزنی، بدخشان و فاریاب که سه میلیون و ۹۶۱ هزار و ۲۵۳ دالر امریکایی هزینه بر میدارد، در مدت سه سال تطبیق خواهد شد.

نهادهای انتخاباتی:

حلقات با نفوذ مانع اصلاحات انتخاباتی اند

بود و این کمیسیون با اشاره بر ماده هفتادونهم قانون اساسی، بر صدور فرمان تازه ای از سوی رییس جمهور هنگام تعطیلات تابستانی پارلمان تأکید کرد. در ماده هفتادونهم قانون اساسی آمده است: «حکومت می تواند در حالت تعطیلی پارلمان در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند. فرامین تقنینی بعد از توشیح رییس جمهور حکم قانون را حایز می شود.» این درحالیست که فرمان تقنینی در خصوص تشکیل وظایف و صلاحیت های کمیسیون های انتخاباتی که زمینه را برای آغاز کار کمیته گزینش فراهم می کند، برای دوبار از سوی مجلس نماینده گان با اکثریت آرا رد شد.

کمیته گزینش سال پار تشکیل شد؛ اما نسبت خلاهای قانونی (تصویب نشدن فرمان تقنینی رییس جمهور در مورد قانون تشکیل وظایف و صلاحیت های کمیسیون های انتخاباتی از سوی مجلس) تاکنون نتوانسته آغاز به کار کند.

کمیته گزینش، وظیفه دارد تا کمیشنران جدید را برای کمیسیون های انتخاباتی گزینش و به رییس جمهور پیشنهاد کند. چند پیش کمیته گزینش که متشکل از نماینده گان جامعه مدنی، نهادهای ناظر بر انتخابات، نماینده رسانه ها و نماینده خدمات ملکی به منظور گزینش اعضای ارشد کمیسیون انتخابات، ایجاد گردیده بود، توسط رییس جمهور به همراه بسته پیشنهادی قوانین انتخابات به مجلس فرستاد شد و نماینده گان هم این بسته پیشنهادی را با اکثریت آرا کردند.

پس از رد این فرمان رییس جمهور فرمان تقنینی دیگری را با آوردن تغییرات و حذف نماینده رسانه ها آماده و به مجلس نماینده گان جهت تصویب فرستاد که این فرمان نیز توسط نماینده گان مجلس رد شد، اما مجلس سنا آن را تأیید گردید.

این درحالیست که اگر فرمان تقنینی را یک مجلس رد و مجلس دیگری تأیید کنند، باید کمیته مشترک از سوی هر دو مجلس تعیین و در مورد آن تصمیم بگیرند.

به همین دلیل هر دو مجلس، کمیته مشترک را تشکیل دادند؛ اما فرمان دومی هم از سوی کمیته مشترک رد شد.



جریان دارد و به زودی نهایی خواهد شد. عبدالله، در نشست روز دوشنبه شورای وزیران گفته: «قانون انتخابات و تشکیل و صلاحیت ها هر دو جز یک قانون شده است و به مراحل نهایی رسیده است.» به گفته او: ادغام این دو قانون شامل آن بخشی از اصلاحات انتخاباتی می شود که برای عملی شدن در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی نیاز است. با این حال حال داکتر عبدالله در دیدار روز یکشنبه (۱۷ اسد) با نماینده ویژه سازمان ملل متحد برای افغانستان گفته که حکومت افغانستان متعهد به اصلاح نظام انتخاباتی و برگزاری انتخابات می باشد. این درحالیست که ریاست جمهوری نیز از سرنوشت قانون انتخابات (آوردن اصلاحات در کمیسیون های انتخابات، آغاز کار کمیته گزینش) تا پایان هفته روان خبر می دهد.

مقام ها در ریاست جمهوری به مردم اطمینان دادند که تا پایان هفته جاری چگونگی آوردن اصلاحات در کمیسیون های انتخابات و قانون انتخابات مشخص می شود.

آنان به روزنامه ماندگار گفته اند که حکومت مصروف مشوره و رایزنی با بخش های مختلف است تا تصمیم نهایی در این زمینه را تا پایان هفته جاری بگیرند. با این حال به تازه گی حکومت از کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی خواهان وضاحت در این مورد شده

سپین غر افزود: ما از این نوع فشارها از جانب جامعه جهانی یا هر مرجع که باشد حمایت می کنیم و امیدوار هستیم که اصلاحات بیاید.

به باور او: گروه ها و افرادی که در حکومت حضور دارند، نفع خود را در برگزار نشدن انتخابات می دانند و خواهان اصلاحاتی اند که به نفع آنان باشد.

وی افزود: یک حلقه دیگری هم وجود دارد که از کمیشنران فعلی حمایت می کند و باورشان این است که اگر کمیشنران فعلی برکنار نشوند، شاید منافع آنان را در آینده تأمین کند؛ بنابراین تلاش ها صورت می گیرد که حد اقل سمت تعداد زیادی از کمیشنران حفظ شود.

به گفته سپین غر: اراده برای برگزاری انتخابات و آوردن اصلاحات در نظام های انتخاباتی وجود ندارد و بدون شک تا بهار سال آینده برگزاری انتخابات امکان پذیر نیست.

او تصریح کرد: اگر اراده وجود داشته باشد، امکان اصلاحات است و برای آوردن اصلاحات وقت داریم؛ اما برای برگزاری انتخابات وقت کافی نیست و تا بهار سال آینده برگزاری انتخابات ممکن نیست.

با این حال نعیم ایوبزاده رییس تیفا و عضو کمیته گزینش می گوید: تصمیم رهبران در مورد انتخابات را اطرافیان شان با چالش مواجه می کنند.

وی دلیل مخالفت با برگزاری انتخابات را، گروه های سیاسی می داند که آنان برگزاری انتخابات را در تضاد با منافع شان می دانند.

رییس تیفا می گوید: پارلمان و برخی از گروه های سیاسی دیگر برگزاری انتخابات را در تضاد با منافع خود می دانند و اجازه نمی دهند که انتخابات برگزار شود، بنابراین در آینده های نزدیک شاهد برگزاری انتخابات نخواهیم بود.

به باور او، حکومت مصلحت خود را در برگزاری انتخابات نمی بیند، بنابراین شاید اصلاحات ناچیز صورت گیرد، اما بدون شک شاهد برگزاری انتخابات نخواهیم بود و امکان پذیر نیست.

به گفته ایوبزاده: فضای ایجاد شده به خاطر آوردن اصلاحات انتخاباتی تنها به منظور دست پر رفتن به نشست بروکسل است و هدف حکومت فراهم کردن قناعت جامعه جهانی در این نشست است.

اما دکتر عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی گفته که کار روی اصلاحات انتخاباتی به شدت

ناحیه نوری

حلقات با نفوذ در حکومت مانع اصلاح نظام انتخاباتی و شکستن بن بست دگرگونی در قانون تشکیل وظایف و صلاحیت های کمیسیون های انتخاباتی می باشند. شماری از نهادهای انتخاباتی به این باور اند که برخی از گروه های سیاسی که در درون حکومت نفوذ دارند، اجازه نمی دهند رهبران حکومت برای سرنوشت انتخابات تصمیم بگیرند.

به گفته آنان: این گروه های سیاسی و برخی از نماینده گان پارلمان آوردن اصلاحات در نظام های انتخاباتی و برگزاری انتخابات را در تضاد با منافع شان می دانند و مانع آوردن اصلاحات می شوند.

این واکنش ها در پی وعده های حکومت مبنی بر آوردن اصلاحات در نظام های انتخابات و تغییر در قانون انتخابات ابراز می شود که تاکنون عملی نشده و انتقادات تند نهادهای ملی و بین المللی را به همراه داشته است.

این درحالی است که کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی به حکومت اجازه داد که اصلاحات در نظام انتخاباتی را بدون نظر مجلس عملی سازد.

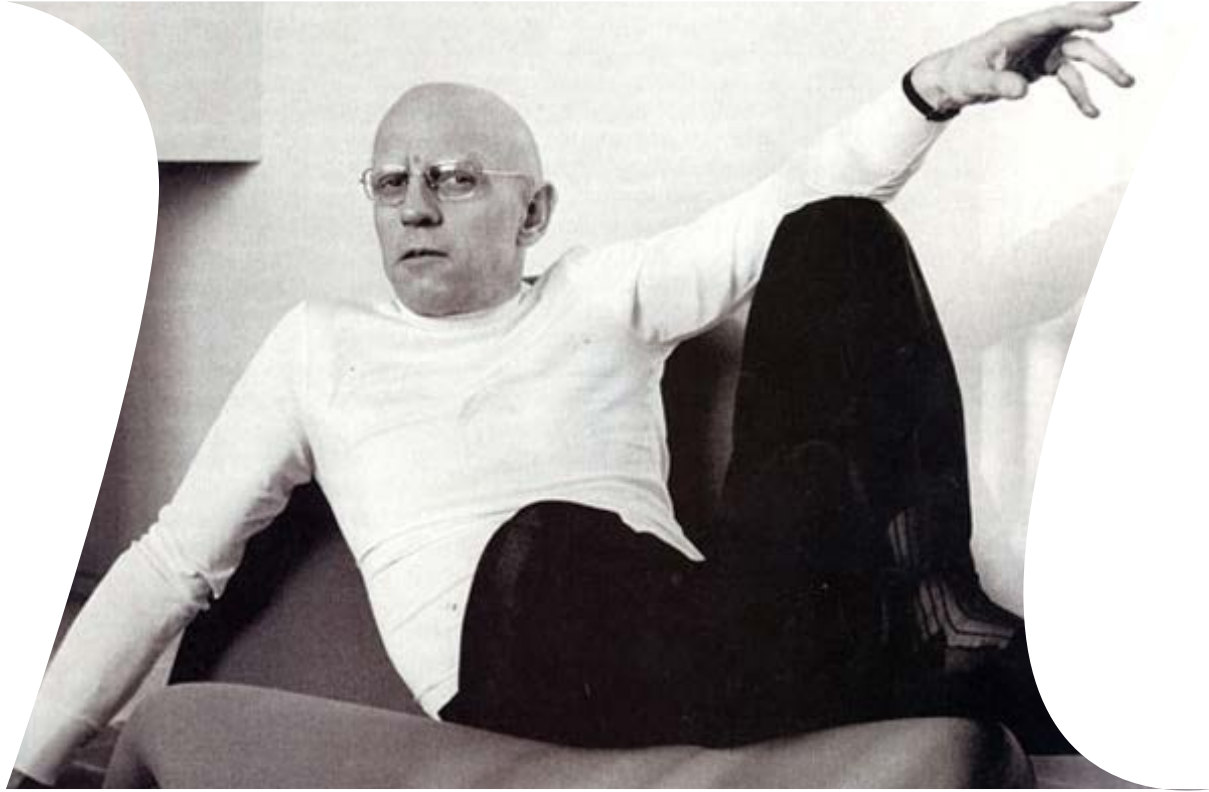
جان داد سپین غر رییس شبکه اکسین اقدامات اخیر حکومت مبنی بر آوردن اصلاحات در نظام های انتخاباتی را تبلیغاتی برای کنفرانس بروکسل می داند.

او می گوید: حکومت در پی تحفه برای نشست بروکسل است؛ بنابراین سر و صداهای مبنی بر اینکه گویا خواهان اصلاح نظام انتخاباتی است، به راه انداخته است.

او ضمن اینکه هدف حکومت از ایجاد سر و صداهای مبنی بر آوردن اصلاحات را آماده گی برای نشست بروکسل می داند می گوید: هدف حکومت رفتن با دست پر به نشست بروکسل است.



بخش چهارم



نیولیر ایسم

در درس گفتارهای

میشل فوکو

زهره روحی

و این یعنی فاصله گرفتن هرچه بیشتر با سیاست‌های رفاهی و واگذاشتن بازار به حال رقابتی که واهمه‌یی از نابرابری موقعیت‌های بازیگران و آثار ویران‌گر آن ندارد. به گفته فوکو اکنون «با نظام قوانین، به مثابه مقررات بازی سروکار داریم» (ص ۲۴۱). وی نقل قولی از هاید آورده است که عیناً نقل می‌کنیم: «مهم‌ترین کارویژه یک نظام قانون‌داری، حکمرانی بر نظم خودانگیخته حیات اقتصادی است. نظام قانون باید مقرراتی را وضع و تقریر کند که سازوکار رقابتی تولید و توزیع بر اساس آن عمل کند.» (همان‌جا)

این گفته هاید که این معناست که برای آن که قانون این بازی و نظم خودانگیخته آن قابل اجرا باشد، نیازمند بازیگرانی هستیم که هیچ‌گونه نسبتی حمایتی با جامعه نداشته باشند. و به عنوان «بازیگران مستقل» در میدان‌های بازی بازارها حاضر شوند. پس در چنین وضعیتی است که «حقوق اجتماعی افراد جامعه» به «حقوقی خصوصی» متحول می‌شود، آن‌هم برای آن‌که با آزاد شدن دولت از بار مسوولیت جامعه و شهروندان، و به اصطلاح کوچک شدنش، قابلیت خدمت‌گزاری به بازی‌های بازار را پیدا کند. فوکو در برابر این موقعیت خصوصی‌سازی شده انسان‌ها در جامعه، «انسان شرکتی و تولیدگر» را می‌بیند (ص ۲۰۷)، که در جامعه‌یی به مثابه «بناگاه» زنده‌گی می‌کند (ص ۲۰۹). بنابراین قوانین اجتماعی در فضای جدید، همان‌گونه که دیدیم، بر اساس هویت صوری (که ساخته و پرداخته بازی‌هاست) شکل می‌گیرد، آن‌هم با تمامی اختلافات و شکایاتی که بین بازیگرانی که در موقعیتی نابرابر به سر می‌برند، سر می‌گیرد و روز به روز هم بر حجم آن افزوده می‌شود. (صص ۲۴۳ - ۲۴۴)

همان‌گونه که می‌دانیم «بازی و قواعد» نیولیرالیستی، فقط مختص به آلمان نبوده است، چنان‌که فوکو به این گفتمان جدید

حکمرانی در فرانسه توسط ژیسکار دستن و یا دولت امریکا اشاره‌هایی دارد. به هر حال، او ضمن آن‌که معتقد است نیولیرالیسم در فرانسه، خود را «از طریق مخالفت با جبهه ملی، خط مشی‌های کینزی پس از جنگ و برنامه‌ریزی»، تعریف کرده است (ص ۲۹۵). نقل قول مستقیمی هم از ژیسکار دستن در فاصله‌گیری‌اش از خط‌مشی‌های برنامه‌یی - سوسیالیستی آورده است. وی (ژیسکار دستن) می‌گوید: «ویژه‌گی تعیین‌کننده اقتصاد بازار، وجود قواعد بازی است که اتخاذ تصمیم‌های نامتمرکز را امکان‌پذیر می‌سازد. این قواعد برای همه یکسان است» (ص ۲۷۷). فوکو توضیح می‌دهد که چه‌گونه ژیسکار دستن تلاش کرد تا این بازی را البته به پیروی از امریکایی‌ها به «بازی خاصی» تبدیل کند تا به ظاهر در جهت حمایت از فرد: «هیچ بازیگری با خطر از دست دادن همه چیز خود مواجه نباشد. ژیسکار دستن می‌گوید «بازی خاص» اما بدون شک بهتر بود که می‌گفت «قاعده خاص»...؛ [زیرا ایده] مالیات منفی را در سر داشت... [که] عبارت است از سود اجتماعی برای این‌که از نظر اجتماعی مؤثر باشد و از نظر اقتصادی اختلال ایجاد نکند... خیلی ساده، باید سود نقدی را جایگزین اشکال فراگیر تأمین مالی و تمام سودهای کم‌وبیش بخشی کنیم... در جامعه گروهی از افراد وجود دارند که یا به طور قطعی (به دلیل سالخورده‌گی یا معلولیت)، یا به طور موقتی (به دلیل از دست دادن شغل) از حد مطلوب مصرف برخوردار نیستند... [از طریق مالیات منفی] سطح معینی از مصرف فرد تضمین می‌شود، اما با انگیزه کافی یا به عبارتی با سرخورده‌گی؛ چنان‌که همیشه بخواهد کار کند و همیشه کار را به دریافت سود ترجیح دهد.» (صص ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰) بنابراین از طریق یارانه‌های نقدی‌یی که دولت نیولیرال برای برخی از افراد به اصطلاح کم‌درآمد تعیین می‌کند، این مالیات منفی و یا یارانه، همان‌گونه که

فوکو هم بدان اشاره‌یی صریح دارد، عملاً در جهت «سست و بی‌اعتبار» کردن «آثار فقر» است (همان‌جا). اکنون فقر به عنوان امری «مطلق» شناخته می‌شود: «اگر خط مشی سوسیالیستی را خط مشی‌یی تلقی کنیم که می‌خواهد آثار فقر نسبی بر خاسته از فاصله بین درآمدهای ثروتمندین گروه‌ها و فقیرترین گروه‌ها را تقلیل دهد، کاملاً واضح است که خط مشی مقرر شده با مالیات منفی، نقطه مقابل آن قرار دارد.» (ص ۲۸۱)

و این بدین معنی است که اهداف مبتنی بر خط مشی سوسیالیستی در کشورهای رشدیافته غربی به کلی کنار گذاشته می‌شوند. و فی‌المثل با حذف هدفی چون اشتغال کامل، آن‌چه که جایگزین آن می‌شود، ایجاد «جمعیت سیال و شناور» به این سو و آن سو است که خصیصه ثابت «نیروی کار» شده است. باری، نکته بسیار جالبی در این بخش از بحث فوکو هست که گفتن آن خالی از لطف نیست (هرچند که از نظر فوکو، این نکته برای مستمعین اروپایی - فرانسوی حاضر در کلاسش بسیار بدیهی است). او تفاوت عمده‌یی بین نیولیرالیسم اروپایی و نیولیرالیسم امریکایی می‌بیند که صرفاً به پیشینه‌های تاریخی آن‌ها در خصوص «لیبرالیسم» مربوط می‌شود. شاید بهتر باشد به دلیل اهمیت، عین کلام خود او را بیاوریم: «لیبرالیسم امریکایی، در زمان صورت‌بندی تاریخی‌اش، یعنی خیلی قبل‌تر، از زمان قرن هجده، برخلاف نمونه فرانسه برای تعدیل نوعی مصلحت دولت از پیش موجود به عرصه نیامد، زیرا در امریکا، مدعاهای لیبرال، و اساساً مدعاهای اقتصادی، دقیقاً سرآغاز تاریخی‌یی بودند برای استقلال این کشور. به عبارتی، لیبرالیسم در امریکا، طی دوره جنگ استقلال، نقشی تقریباً شبیه نقش لیبرالیسم در آلمان ۱۹۴۸ را ایفا کرد...»

بخش نخست

آیا می‌دانستید که استخوان‌ها برخلاف بسیاری از شکستنی‌های دیگر دور و برتان، حتی پیش از این‌که پای‌تان به شفاخانه برسد، فرایند ترمیم را شروع می‌کنند. بدن انسان توانایی شگفت‌انگیزی در ترمیم و التیام‌بخشی دارد که موجب بهبودی انسان از بسیاری از بیماری‌ها و آسیب‌ها می‌شود. گاهی اوقات شکسته‌گی استخوان ظرف چند ماه به قدری خوب جوش می‌خورد که حتی تصویر پرتو ایکس نیز نمی‌تواند خط شکسته‌گی اولیه را نشان دهد. پزشک اغلب نقشی حیاتی و گاهی اوقات نجات‌بخش در فرایند بهبودی استخوان ایفا می‌کند، اما در واقع کاری که پزشک انجام می‌دهد این است که به بدن کمک کند خود را ترمیم نماید. پزشک شرایط بهینه برای ترمیم و جوش خوردن استخوان را فراهم می‌کند و بقیه کار به عهده سلول‌های بدن است. این فرایند زیست‌شناختی خارق‌العاده به چه صورت انجام می‌شود؟ چه‌گونه پای شکسته به قدرت سابق خود بازمی‌گردد؟ برای درک این امر، ابتدا باید نگاه دقیق‌تری به مواد تشکیل‌دهنده استخوان و چه‌گونه‌گی عملکرد آن داشته باشیم: بدن سخت تلاش می‌کند تا از لحظه وارد آمدن آسیب، استخوان شکسته را ترمیم نماید.

استخوان شکسته چه‌گونه خود را ترمیم می‌کند؟

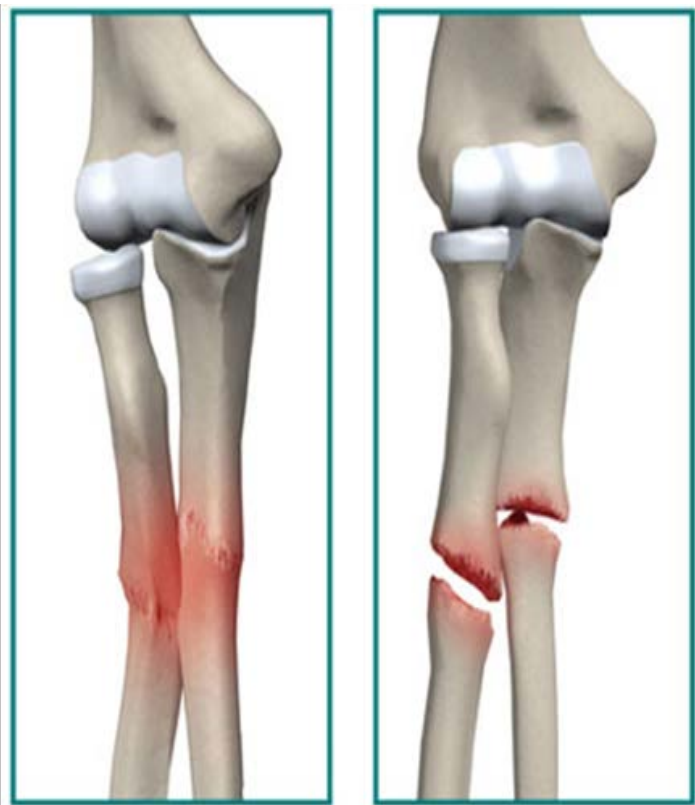
شاید تصور کنید استخوان‌ها موادی مرده و سخت هستند که بافت‌های زنده بدن آن‌ها را احاطه می‌کنند، اما اسکلت بدن درست همانند بافت‌ها و اندام‌های نرم بدن، زنده هستند. بدن مواد معدنی را در استخوان‌های سخت و فشرده ذخیره‌سازی می‌نماید. سلول‌های قرمز خون در مغز قرمز استخوان تولید می‌شوند و چربی‌ها در مغز زرد استخوان ذخیره می‌گردند. استخوان‌های بدن دائماً در حال تغییر هستند.

سلول‌هایی به نام استخوان‌شکن‌ها/ استئوکلاست‌ها (osteoclast) دائماً استخوان‌های قدیمی را تجزیه می‌کنند، به صورتی که استئوبلاست‌ها (سلول‌های استخوان‌ساز) می‌توانند مواد آن را با بافت استخوانی جدید جایگزین کنند. به این فرایند بازسازی استخوان یا ریمدلینگ می‌گویند. نوع دیگری از سلول‌ها به نام کندروبلاست وظیفه تولید غضروف جدید را به عهده دارند. این سه نوع سلول‌های اصلی مسوول رشد استخوان‌ها (چه در سن رشد و چه هنگام ترمیم شکسته‌گی) هستند. این بازسازی مداوم استخوان ظرف چند ماه به تدریج بافت قدیمی استخوان را با بافت جدید جایگزین می‌نماید.

تقریباً بلافاصله پس از ایجاد شکسته‌گی در استخوان، بدن شروع به ترمیم می‌نماید. اغلب پزشکان فرایند کلی ترمیم استخوان را به چهار مرحله تقسیم می‌کنند:

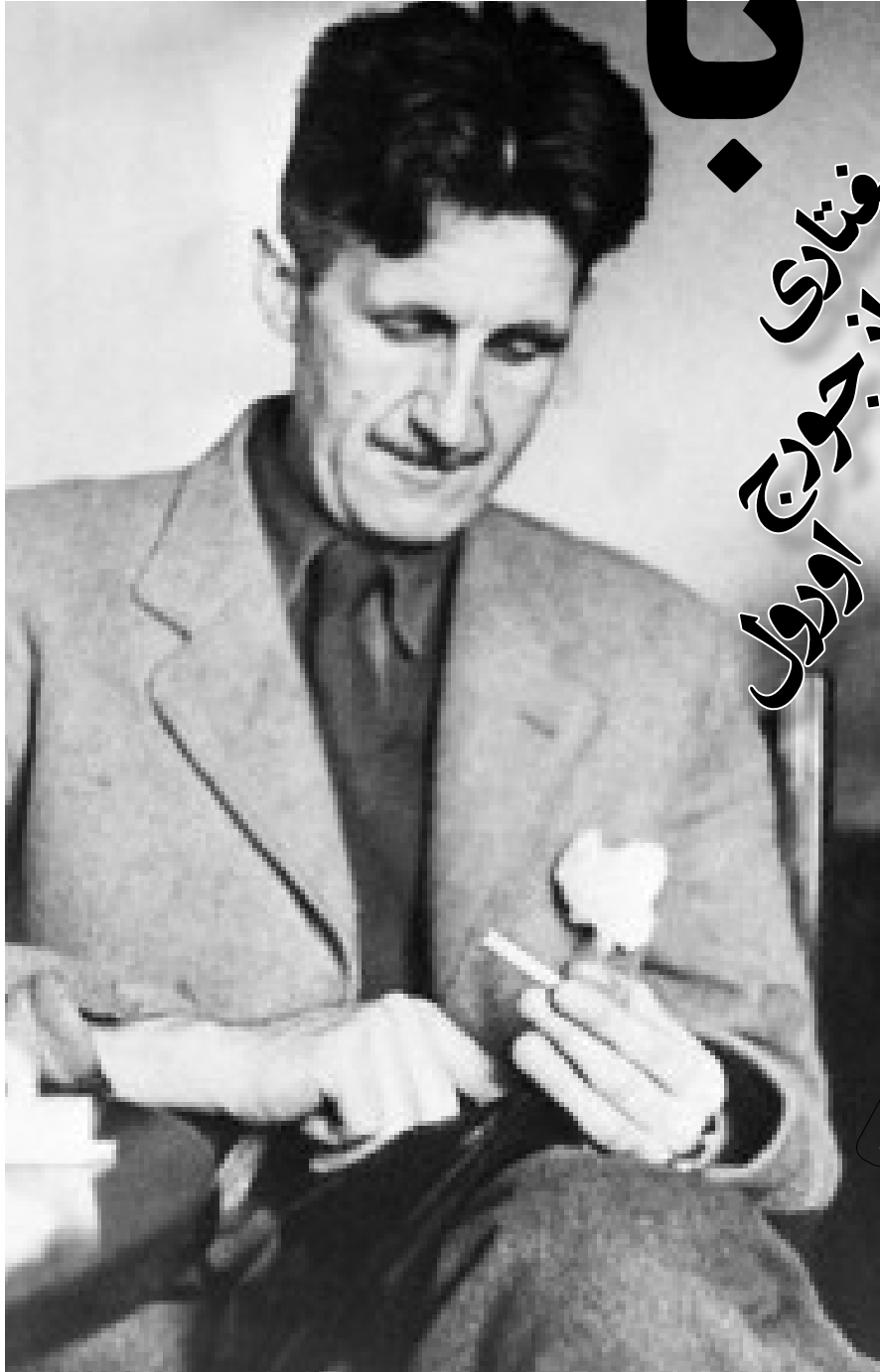
۱- هنگامی که یک استخوان دچار شکسته‌گی می‌شود، شکاف‌های ایجاد شده در آن موجب قطع رگ‌های خونی موجود در طول استخوان می‌شوند. خون از این رگ‌های قطع شده خارج می‌شود و به سرعت لخته‌یی تشکیل می‌دهد که هماتوم (توده خونی) خوانده می‌شوند. هماتوم کمک می‌کند استخوان ثابت شده و هر دو قطعه استخوان برای ترمیم کنار هم قرار بگیرند. این لخته همچنین مانع جریان خون به لبه‌های دندان‌دار و ناهموار استخوان می‌شود.

استخوان شکسته چه‌گونه خود را ترمیم می‌کند؟



ستیزا ادبیات

گفتاری از جویج اورول



مترجم: خطایان بیخبر
بخش دوم

یک جزوه نادر و استثنایی پیش روی من است که ماکسیم لیتوینوف در ۱۹۱۸ نوشته است و گزیده‌یی از وقایع آن، سال‌های انقلاب روسیه را بازگو می‌کند. در آن جزوه، نامی از استالین برده نمی‌شود اما از تروتسکی و نیز زینوویف، کامنف و دیگران با ستایش بسیار یاد می‌شود. یک کمونیستِ حتماً بسیار وسواسی از نظر فکری، امروزه چه‌گونه نگاهی می‌تواند به چنین جزوه‌یی داشته باشد؟ نهایتش می‌تواند بدبینانه و با تاریک‌اندیشی بگوید که این سندی نامطلوب است و باید جلو انتشارش را گرفت. و اگر بنا به هر دلیلی تصمیم گرفته شود که نسخه‌یی تحریف شده از آن جزوه را منتشر کنند و تروتسکی را خوار و خفیف کنند و به جایش تمجیدهایی از استالین را داخل جزوه کنند، هیچ کمونیستی که هم‌چنان به حزبش وفادار است، نمی‌تواند هیچ اعتراضی بکند. سندسازی‌هایی از این دست در سال‌های اخیر بسیار رایج بوده است. اما آن‌چه مهم است این نیست که چنین کارهایی انجام می‌گیرد، بلکه مهم این است که حتماً وقتی جعلی بودن اسناد آشکار و مسجل می‌شود، هیچ روشن‌فکری در جناح چپ حاضر نمی‌شود کوچک‌ترین واکنشی به آن نشان دهد. این استدلال که بازگو کردن حقیقت ممکن است «نامناسب» باشد یا بهانه‌یی به دست فلان کس یا بهمان کس بدهد، ظاهراً پاسخ‌ناپذیر است و قلبی از افراد نگران دروغ‌هایی هستند که با اغماض آن‌ها در روزنامه‌ها منتشر می‌شوند و به کتاب‌های تاریخ راه پیدا می‌کنند.

دروغ‌گویی سازمان‌یافته‌یی که در دولت‌های توتالیتر جاری و ساری است، آن‌گونه که بعضاً ادعا می‌شود یک کار مصححتی موقتی نظیر حیل‌گری نظامی نیست؛ جزو ذاتی توتالیتریزم است و حتماً اگر روزی اردوگاه‌های کار اجباری و پولیس مخفی هم ضرورت‌شان را از دست بدهند، ادامه پیدا می‌کند. در میان روشن‌فکران کمونیست این افسانه‌ی زیرزمینی رایج است که اگرچه حکومت شوروی اکنون ناگزیر است دروغ بپراکند و محاکمات نمایشی برگزار کند، اما در خفا حقایق امور واقع ثبت می‌شوند و در آینده منتشر خواهند شد. من معتقدم می‌شود یقین داشت که چنین چیزی رخ نخواهد داد، چون چنین ذهنیتی که از این عمل برمی‌آید، ذهنیت مورخان لیبرال است که معتقدند گذشته را نمی‌توان تغییر داد و دانش صحیح تاریخی بسیار ارزشمند است. اما از منظر توتالیتری، تاریخ چیزی است که باید آن را جعل و خلق کرد، نه چیزی که باید آن را آموخت. دولت‌های توتالیتر جوهره‌یی تیوکراتیک دارند و طبقه حاکم برای آن‌که در این دولت‌ها موقعیتش را حفظ کند، باید خطاناپذیر جلوه داده شود. اما چون در عالم واقع هیچ‌کس خطاناپذیر نیست، دایماً این ضرورت پیش می‌آید که در وقایع گذشته دست ببرند، به نحوی که نشان داده شود فلان یا بهمان اشتباه صورت نگرفته است و آن پیروزی‌های خیالی، عملاً رخ داده‌اند و باز هر تغییر عمده در خط مشی و سیاست‌ها ایجاب می‌کند که تغییری متناسب با آن در آموزه‌ها هم انجام گیرد و چهره‌های برجسته تاریخ از نو بزرگ شوند. چنین چیزهایی در همه جا رخ می‌دهد، اما احتمال این‌که این کارها به دروغ‌پردازی مستقیم منجر شود، آشکارا در کشورهایی بسیار بیشتر است که فقط یک عقیده در هر زمانی مجاز شمرده می‌شود. در واقع، توتالیتریزم اقتضا می‌کند که پیوسته در گذشته‌ها دست برده شود و درازمدت احتمالاً اقتضا خواهد کرد که اصلاً منکر وجود چیزی به نام حقیقت عینی شوند. دوستان توتالیترها در کشور ما معمولاً می‌گویند چون حقیقت مطلق دست‌نیافتنی است، دروغ‌های بزرگ هیچ بدتر از دروغ‌های کوچک نیستند. آن‌ها می‌گویند همه اسناد تاریخی، جانب‌دارانه و غیردقیق هستند، یا از سوی دیگر می‌گویند فیزیک مدرن ثابت کرده است آن‌چه به نظر ما جهان واقعی می‌آید، توهمی بیش نیست؛ پس اعتقاد به گواهی حواس پنج‌گانه‌مان صرفاً جهل عوامانه است. جامعه‌یی توتالیتری که موفق می‌شود استمارش را تضمین کند، احتمالاً یک نظام فکری اسکیزوفرنیک برپا

خواهد داشت که در آن قوانین عقل متعارف در زنده‌گی روزمره و در برخی علوم دقیقه کارکرد مثبت و کامل دارند، اما سیاست‌مداران، مورخان و جامعه‌شناسان می‌توانند آن‌ها را نادیده بگیرند. هم‌اکنون عده‌ی شماری هستند که فکر می‌کنند دست‌کاری در یک کتاب درسی علمی، کاری خطاست و افتضاح به پا می‌کند، اما دست‌کاری در امور واقع تاریخی به نظرشان اصلاً و ابداً کار غلطی نمی‌آید. درست در همین جاست که ادبیات و سیاست به هم می‌رسند و توتالیتریزم بیشترین فشارش را بر روشن‌فکران در همین نقطه وارد می‌آورد. علوم دقیقه، فعلاً در حال حاضر، در معرض چنین خطری با چنین حدتی نیست. این تا حدودی روشن می‌کند که چرا در همه کشورهای دانشمندان خیلی راحت‌تر از نویسندگان می‌توانند پشت حکومت‌های‌شان صفا آرایی کنند.

برای این‌که از این منظر دور نشویم، اجازه بدهید آن‌چه را در ابتدای مقاله گفتم تکرار کنم: در انگلستان دشمنان بلافصل پای‌بندی به حقیقت و از آن رو دشمن آزادی‌اندیشه؛ اربابان مطبوعات، اربابان سینما و بوروکرات‌ها هستند، اما در دورنما، ضعیف شدن میل به آزادی در میان خود روشن‌فکران وحیم‌ترین نشانه بیماری جامعه است. شاید به نظر بیاید که هر آن‌چه تا به این‌جا گفته‌ام، مربوط به تأثیرات زیان‌بار سانسور است و کاری به کار ادبیات در کلیتش نداشته‌ام، بلکه توجهم صرفاً معطوف روزنامه‌نگاری سیاسی بوده است. آری، مسلماً روسیه شوروی نوعی منطقه ممنوعه در مطبوعات بریتانیایی پدید آورده است. آری مسلماً نمی‌توان درباره مسایلی نظیر مسأله لهستان، جنگ داخلی در هسپانیا، و پیمان میان روسیه و آلمان و غیره بحث جدی کرد و اگر صاحب اطلاعاتی باشی که با راست‌کیشی [کمونیستی] در تضاد باشد، از شما انتظار دارند یا حقایق را تحریف کنی یا خفه‌خون بگیری. آری با همه این مسلمات، چرا ادبیات در معنای گسترده‌ترش باید آسیبی ببیند؟ آیا هر نویسنده‌یی یک سیاست‌مدار است و آیا هر کتابی ضرورتاً یک «رپرتاژ» مستقیم است؟ آیا حتی تحت سفت و سخت‌ترین دیکتاتوری‌ها، هر نویسنده‌یی انفراداً نمی‌تواند در درون ذهن خودش آزاد بماند و اندیشه‌های مخالفت‌آمیزش را در چنان قالب و آرایه‌یی عرضه کند که مقامات احمق دیکتاتوری نتوانند آن‌ها را درست باز شناسند؟ و به هر حال، اگر خود نویسنده با راست‌کیشی موجود مسلط موافق باشد، چرا باید این وضع، تأثیری مخرب و مقیدکننده بر او داشته باشد؟ آیا ادبیات یا هر هنر دیگری، در جوامعی که تضاد عقیده‌یی در آن وجود ندارد و تمایزی میان هنرمند و مخاطبانش نیست، احتمالاً بهتر و بیشتر شکوفا خواهد شد؟ آیا باید فرض را بر این گذاشت که هر نویسنده‌یی یک شورش است. یا حتماً هر نویسنده‌یی در مقام نویسنده‌گی‌اش یک شخص استثنایی است؟

هر بار و هر گاه که کسی می‌کوشد از آزادی فکری و روشن‌فکری در برابر مدعاهای توتالیتریزم دفاع کند، با همین استدلال‌ها اشکال گوناگونش مواجه می‌شود. این استدلال‌ها مبتنی بر فهمی نادرست از ادبیات و چه‌گونه‌گی و چرایی خلق ادبی هستند. فرض آن‌ها این است که هر نویسنده‌یی یا یک آدم مطلقاً متفنن است یا یک قلم‌به‌دست مزدور رشوه‌بگیر که می‌تواند خیلی راحت از این خط تبلیغی به خط تبلیغی دیگر تغییر مسیر دهد، درست به همان راحتی که یک ارگ‌نواز کوک سازش را عوض می‌کند. اما بالاخره پس چه‌گونه است که کتاب‌ها نوشته می‌شوند؟ اندکی بالاتر از پایین‌ترین سطح، ادبیات کوششی است برای تأثیر گذاشتن بر دیدگاه‌های معاصران با ثبت تجربیات، و بنابراین، تا جایی که به آزادی بیان مربوط می‌شود، تفاوت زیادی میان یک روزنامه‌نگار حرفه‌یی و غیرسیاسی‌ترین نویسنده آثار تخیلی نیست. روزنامه‌نگار آزاد نیست و وقتی مجبور می‌کنند که دروغ‌پردازی کند یا اخباری را که به نظرش مهم هستند کنار بگذارد و منتشر نکند، از این آزاد نبودنش آگاه می‌شود. نویسنده آثار تخیلی هم وقتی مجبور است

احساسات شخصی‌اش را پنهان بدارد یا طور دیگری جلوه دهد، احساساتی که از نظر او امور واقع هستند، آزاد نیست. او ممکن است واقعیت را تحریف کند یا از آن کاریکاتور بسازد تا منظورش را روشن‌تر بیان کند، اما نمی‌تواند آن‌چه را که در ذهنش می‌گذرد، جور دیگری عرضه کند؛ او نمی‌تواند با هر اعتقادی که دارد، آن‌چه را دوست دارد، یا آن‌چه را که به آن باور ندارد، چنان بیان کند که گویی دوستش ندارد، یا آن‌چه را که به آن باور دارد. اگر او را وادارند که چنین کند، تنها حاصلش این می‌شود که قوای خلاقه‌اش بخشکند. در ضمن، این نویسنده نمی‌تواند این معضل را با پرهیز از موضوعات جدلی حل کند. ادبیات جدا غیرسیاسی وجود ندارد و در عصر ما، با ترس‌هایش، با نفرت‌هایش و با دل‌بسته‌گی‌هایش، که همه‌گی مستقیماً از جنس سیاسی هستند و کاملاً به سطح آگاهی هر کس می‌رسند، غیرسیاسی نوشتن از هر زمان دیگری دشوارتر و حتماً ناممکن شده است. حتماً یک تابو می‌تواند تأثیر فلج‌کننده‌یی بر ذهن داشته باشد؛ چون همیشه این خطر وجود دارد که هر اندیشه‌یی را که آزادانه دنبال کنی، احتمالاً به همان اندیشه ممنوعه برسی. پس می‌توان نتیجه گرفت که جو و فضای توتالیتریزم برای هر نثرنویسی خفه‌کننده و مرگبار است؛ هرچند شعرا، خصوصاً شعرای تغزلی، احتمالاً می‌توانند در چنین جو و فضایی تنفس کنند. و در هر

جامعه توتالیتری که بیش از دو نسل دوام بیاورد، احتمالاً ادبیات منشور، از آن نوعی که در چهارصد سال گذشته وجود داشته، عملاً و قطعاً به پایان می‌رسد و مختومه می‌شود. ادبیات گاهی تحت رژیم‌های مستبد هم رونق گرفته و شکوفا شده، اما هم‌چنان که غالباً گفته می‌شود، رژیم‌های استبدادی گذشته رژیم‌های توتالیتر نبوده‌اند. دستگاه سرکوب این رژیم‌های مستبد، همیشه ناکارآمد بوده و طبقات حاکم‌شان معمولاً یا فاسد بوده‌اند، یا بی‌تفاوت، یا دارای دیدگاهی نیمه لیبرالی، و آموزه‌های دینی غالب هم معمولاً در این رژیم‌ها علیه کمال‌گرایی و انگاره خطاناپذیری انسان عمل می‌کرده‌اند. با این همه، باز این عموماً صحیح است که ادبیات منشور در دوره‌های دموکراسی و تفکر آزادانه بوده است که به اوج شکوفایی‌اش رسیده است. آن‌چه در توتالیتریزم تازه است، این است که آموزه‌های آن نه تنها غیرقابل بحث، بلکه در عین حال ناپایدار هستند. این آموزه‌ها را باید با دزدی نفرینی پذیرفت، اما از سوی دیگر این آموزه‌ها همیشه در معرض تغییر با یک اشارت هستند. مثلاً نگرش‌های مختلفی را در نظر بگیرید که کاملاً با همدیگر ناسازگارند و یک کمونیست انگلیسی یا یک «رفیق راه» مجبور بوده است در جنگ میان بریتانیا و آلمان آن‌ها را با هم اتخاذ کند.



وزارت دفاع

کشته شدن فرمانده داعش را تأیید کرد

وزارت دفاع افغانستان روز سه شنبه کشته شدن حافظ سعید سرکرده داعش در افغانستان را تأیید کرد و افزود که وی در یک عملیات در ولسوالی اچین ننگرهار به هلاکت رسید. وزارت دفاع افغانستان با انتشار اطلاعیه‌ای افزود که اسنادی از کشته شدن سرکرده داعش در کشورهای افغانستان و پاکستان را به دست آورده که پس از تحقیقات بیشتر جزئیات آن را اعلام خواهد کرد.

پیشتر یک فرمانده محلی در ننگرهار به رسانه‌ها گفته بود که حافظ سعید همراه با ۲۹ نفر از عناصر دیگر داعش در عملیات مشترک نیروهای ارتش و پولیس کشته شدند. حافظ سعید که تبعه پاکستان بود، کمتر از دو سال قبل مسوولیت داعش را در پاکستان و افغانستان به عهده گرفت. وی از فرماندهان پیشین گروه طالبان بوده است.

پس از دستور محمد اشرف غنی برای نابودی داعش در کشور، حمله نیروهای ارتش و امنیتی



افغانستان در هفته‌های اخیر به مواضع این گروه تروریستی در ولسوالی‌های ننگرهار افزایشی چشمگیر پیدا کرده است. محمد حنیف اتمر مشاور امنیت ملی افغانستان نیز هفته گذشته پس از سفر به ننگرهار و بررسی وضعیت امنیتی این ولایت گفت که

داعش در افغانستان رو به نابودی است. شماری از عناصر داعش نیز روز دوشنبه خود را به نیروهای امنیتی تسلیم کردند و منابع امنیتی پس از تسلیم شدن آنان، گفتند که داعش در ننگرهار در حال فروپاشی است.

بحران بشری در «پایتخت طالبان» ده‌ها هزار تن آواره شدند

مقام‌ها در ولایت هلمند افغانستان گفته اند ده‌ها هزار تن از باشندگان مناطق در حال جنگ این ولایت به شهر لشکرگاه مرکز ولایت آواره شده اند. مقام‌ها از یک بحران بشری ناشی از این بیجاشدگی هشدار داده اند.

هلمند در جنوب افغانستان که سال‌هاست مرکز شورشگری و تولید مواد مخدر است، در این اواخر شاهد افزایش حملات شورشیان طالبان است و این شورشیان بعد از خروج سربازان ناتو در پایان سال ۲۰۱۴ مناطق بیشتری را تحت کنترل خود درآورده اند.

یک نماینده این ولایت گفته که طالبان در تلاش هستند هلمند را پایتخت خویش بسازند و از این ولایت جنگ را در برابر دولت افغانستان مدیریت و رهبری نمایند.

جنرال جبار قهرمان پیشتر به روزنامه ماندگار از ضعف نیروهای امنیتی و زدوبند رهبری این نیروها سخن زده بود و گفته بود که رهبری نیروهای امنیتی اراده جنگیدن ندارند.

عمر زواک، سخنگوی والی هلمند روز سه شنبه به خبرنگاری فرانس پرس گفت که شهر لشکرگاه در تقلائی غلبه بر دشواری‌های ناشی از رسیدن بیجاشدگان از مناطق جنگی است. زواک افزود: «در چند هفته گذشته حدود ۳۰ هزار تن در هلمند بیجا شده اند. بسیاری از این بیجاشدگان به شهر لشکرگاه می‌آیند.» سخنگوی والی هلمند اضافه کرد: «برای این شهر مشکل است که همه آن‌ها را جا بدهد. خانواده‌ها، کودکان و زنان همه مجبورند که در روی جاده‌ها بخوابند. آب آشامیدنی و مواد غذایی کمبود است. ما به کمک‌های فوری نیاز داریم.»

یک کارمند سازمان خیریه «داکتران بدون مرز» در هلمند به فرانس پرس گفت که صبح امروز گلوله باری بسیار شدید است. باشندگان شهر لشکرگاه ابراز نگرانی کرده اند که این شهر به دست شورشیان خواهد افتاد. به گفته آن‌ها، جاده‌ها شدیداً ماین‌گذاری شده اند و سربازان نیز با کمبود مواد غذایی مواجه اند.

حاجی قیوم، یک باشنده شهر به فرانس پرس گفت: «طالبان کنترل همه سرک‌های منتهی به لشکرگاه را به دست دارند. پوسته‌های پولیس یکی پی دیگری سقوط می‌کنند. ترس زیاد وجود دارد که مرکز ولایت به زودی به دست طالبان خواهد افتاد.»

با ادامه جنگ‌های شدید، نیروهای ناتو حملات هوایی خود را برای حمایت از نیروهای افغان افزایش داده اند که بیانگر شدت جنگ در هلمند است.

یک سخنگوی ناتو گفت که وضعیت هلمند متشنج است: «نگرانی امنیتی در آنجا باقی می‌ماند و چند هفته است که در آنجا جنگ جریان دارد. ما مطمئن هستیم که نیروهای افغان به صورت موثر می‌جنگند و آن‌ها به تامین امنیت شهر لشکرگاه ادامه خواهند داد.»

توریالی همت، مشاور رسانه‌ای والی هلمند گفت که در نتیجه حملات هوایی ناتو تلفات سنگینی بر طالبان وارد شده است. ناتو ماموریت جنگی خود را در اخیر سال ۲۰۱۴ پایان داد، اما نیروهای امریکایی در ماه جون امسال صلاحیت یافتند که بر طالبان حمله کنند. در هفته‌های اخیر صدها سرباز امریکایی در هلمند توظیف شده اند.

بازداشت

دو آدم‌ربا در ناحیه ششم کابل



سربازان امنیت ملی ۲ آدم‌ربا را طی یک عملیات خاص از ناحیه ششم شهر کابل بازداشت کردند. در خبرنامه‌یی که امنیت ملی منتشر کرده نگاشته است که این دو تن به اتهام اختطاف یک کودک ۱۳ ساله دستگیر شده‌اند.

این افراد به نام‌های علی و علی احمد باشندگان ناحیه ششم شهر کابل هستند. آدم

در خبرنامه افزوده شده است که این دو آدم‌ربا ۲۸ روز قبل یک کودک ۱۳ ساله را به نام تقی از شهرک اتفاق دشت‌برچی کابل اختطاف کرده بودند.

این دو آدم‌ربا از خانواده این کودک در بدل آزادی فرزندانش مبلغ ۶۰۰ هزار افغانی تقاضا کرده بودند.

ریاست امنیت ملی می‌گوید که این کودک از قید ربانندگان آزاد و به فامیلش تسلیم داده شده است.

وزارت زراعت:

با تطبیق پروژه‌هایی از ضایع شدن ۵۰ درصد آب کشور جلوگیری می‌کنیم

کشور در مورد مزایای هموار کاری زمین وزراعت آموزش و آگاهی داده می‌شود که در مراحل بعدی این رقم به هزاران دهقان افزایش داده خواهد شد. آقای جواد می‌گوید که در جریان تطبیق این پروژه برای ۲۵۰ نفر در بخش‌های تخریبی و آموزشی زمینه کار مساعد می‌گردد.

همچنین معین مالی واداری وزارت زراعت قرار دادی را در بخش اعمار ۵ شبکه آبیاری در ولایت‌های کابل و پروان با یک شرکت خصوصی امضا کرد.

وی گفت که براساس این قرار داد ۲ شبکه آبیاری در ولسوالی ده سبز کابل، یک شبکه آبیاری در ولسوالی جبل السراج و دو شبکه در شهر چاریکار و مرکز ولایت پروان احداث می‌شود. آقای جواد تأکید کرد که ارزش مجموعی این قرار دادها ۶۰۳ میلیون افغانی است که از بودجه انکشافی وزارت زراعت و مالدار می‌شود.

به گفته آقای جواد با بهره برداری از این پروژه ۱۵۰۰ هکتار زمین آبیاری شده و از ضایع شدن ۴۰ درصد آب جلوگیری گردیده و باعث افزایش ۲۰ درصد حاصلات زراعتی در این دو ولایت می‌شود.

وی افزود: از این شبکه‌های آبیاری ۷۲۰۰ خانواده در دو ولایت کابل و پروان مستفید می‌شوند و برای ۲۴۰۰۰ نفر فرصت کاری مساعد می‌گردد.

وزارت زراعت و مالدار چهار قرار داد را در بخش دو پروژه مهم هموار کاری ۶۰ هکتار زمین و اعمار ۵ شبکه آبرسانی را به ارزش بیش از ۱۶۰ میلیون افغانی با شرکت‌های خصوصی به امضا رساند. مسوولان این وزارت تأکید کردند که با تطبیق برنامه هموار کاری زمین از ضایع شدن ۵۰ درصد آب در مزارع کشور جلوگیری می‌شود.

عبدالقدیر جواد، معین مالی واداری وزارت زراعت و مالدار روز سه شنبه (۱۹ اسد) حین امضای این قرار دادها گفت: «تطبیق پروژه بزرگ هموارکاری زمین (لایزرلینگ) بیش از ۱۰۰ میلیون افغانی هزینه بر می‌دارد که از بودجه انکشافی وزارت پرداخته می‌شود و این پروژه در جریان سال ۱۳۹۵ تطبیق می‌گردد.»

آقای جواد تصریح کرد: براساس این پروژه اعمار کار هموار کاری ۶۰ هزار هکتار زمین زراعتی در ۳۰ ولایت کشور عملاً آغاز می‌شود که در آغاز کار این پروژه ۶۰ عراده تراکتور و ۹۵ دستگاه هموار کاری زمین فعالیت خواهند کرد. به گفته معین مالی واداری وزارت زراعت و مالدار در حال حاضر ۵۰ درصد آب که در مزارع استفاده می‌شود به دلیل هموار نبودن زمین‌های زراعتی ضایع می‌شود که با تطبیق این پروژه از هدر رفتن ۵۰ درصد آب جلوگیری می‌شود.

وی تأکید کرد در نخست قبل از تطبیق این پروژه به ۳۰۰۰ دهقان در سرتاسر

بی‌جاشده‌گان اچین ننگرهار خواستار کمک شده‌اند



بی‌جاشده‌گان ولسوالی اچین ننگرهار که پس از گسترش جنگ در این منطقه آواره شده‌اند، خواستار کمک انسانی شده‌اند.

این بی‌جاشده‌گان می‌گویند، گروه داعش در کنار تلفات انسانی زیان‌های مالی زیادی نیز به آنان وارد کرده است. به گفته آنان، جنگجویان خارجی داعش بی‌رحم‌تر از دیگر اعضای این گروه اند و به‌ساده‌گی کودکان را سر می‌برند.

در حال حاضر در مناطق پاکسازی شده از وجود داعش کسی بودباش ندارد و خانه‌ها ویران شده است. بی‌جاشده‌گان این مناطق می‌گویند، اگر حکومت کمک کند به خانه‌هایشان باز می‌گردند.

این بی‌جاشده‌گان از حکومت می‌خواهند که برای جلوگیری از بازگشت داعش، از مناطق پاکسازی شده به‌درستی محافظت کند. در همین حال، محمدزمان وزیر، فرمانده قولاردوی ۲۰۱ سیلاب در ولسوالی اچین به خبرنگاران گفت که در جریان درگیری با گروه داعش بیشترین توجه را به افراد ملکی دارند.

به گفته آقای وزیر، داعش از افراد ملکی و خانه‌های مردم به عنوان سپر و پناهگاه استفاده می‌کند. وزیر می‌افزاید که ولسوالی کوت به‌گونه کامل از وجود داعش پاکسازی شده و بخش زیادی از مناطق هسکه‌مین و اچین نیز در حال تصفیه شدن است.

از سوی دیگر، عطاءالله خوگیانی، سخن‌گوی والی ننگرهار به سلام‌وطندار می‌گوید، بی‌جاشده‌گان ولسوالی‌های کوت و هسکه‌مین از کمک‌های خوراکی و غیرخوراکی برخوردار شده اند و به بی‌جاشده‌گان ولسوالی اچین نیز به‌زودی کمک خواهد شد. به گفته او، صدها تن از باشندگان ولسوالی‌های اچین، هسکه‌مین و کوت به دلیل ترس از داعش به مناطق امن فرار کرده اند و پس از پاکسازی کامل این ولسوالی‌ها به خانه‌هایشان باز می‌گردند.

گفتنی است که عملیات نظامی زیر نام قهر سیلاب در ننگرهار بیش از دو هفته پیش به دستور رییس جمهور غنی آغاز شد. مقام‌های امنیتی می‌گویند، این عملیات تا زمانی ادامه خواهد یافت که گروه داعش به‌گونه کامل در ننگرهار نابود شود.



فیسبوک نامه

جاوید کوهستانی



بحران عظیمی در راه است، نشست هلیکوپتر «isi» در لوگر، سفرهای محرمانه به پاکستان، مقرری و سر بازگیری‌ها در شمال کابل، توزیع سلاح به افراد حزب اسلامی، سکوت نهادها در تحرکات و بسیج طالبان و داعش از طرف استخبارات منطقه، جنگ هلمند و آغاز حملات در مسیر شاهراه‌ها و سایر ولایات، فعالیت پنهانی کرزی، اختطاف و ترورهای در کابل و انتقال داعش به بدخشان و تخار و کندز زنگ خطر جدی است، حلقات آگاه و مستقل متوجه و متر صد باشند.

عبدالحفیظ منصور



امیر حبیب الله خان از مولفه‌های هویت ملی ماست از چندی بدین سو بحث به خاک سپاری «امیر حبیب الله خادم دین رسول الله» داغ تر شده است و جنبش نیرومندی بدین منظور راه افشاده است. امیر حبیب الله خان شاه بیسواد، اما وطن دوست بود، شاه بیسواد، ولی با ناموس بود، شاه بیسواد لیکن مستقل و آزادی خواه بود، شاه بیسواد، اما جوان مرد و حق شناس بود... او از متن مردم برخاست، ساختار سیاسی را در افغانستان برهم زد و طرح نوی را در افکند و به نسل‌های بعدی پیام داد که فریب قسم و قرآن را نخورید، در سنگرهای تان بایستید و مقاومت کنید، خطاب به آینده‌گان گفت: نرسید، می‌توان کرد من تا این جا رفتم، شما ادامه دهید و بیشتر بروید...

عبدالله وطندار



حامد کرزی به صورت غیرمستقیم می‌گوید که بگذارید طالبان بیایند و حکومت کنند. ایشان در مصاحبه‌ی با روزنامه گاردین گفته‌اند که فرماندهان افغانی که از نیروهای امریکایی درخواست حمله هوایی می‌کنند، از مردم افغانستان نماینده‌گی نمی‌کنند، و منافع افغانستان را در نظر ندارند. حامد کرزی این واقعیت را در نظر نمی‌گیرد که پاکستانی‌ها منتظرند تا غربی‌ها خسته شوند و با رفتن آن‌ها از افغانستان، بار دیگر افغانستان را به همان امارت اسلامی افغانستان تبدیل کنند. دلیل تحمل این همه فشار از سوی پاکستانی‌ها و در عین حال دست‌نکشیدن از سر پا نگه‌داشتن طالبان، امیدواری‌شان به خسته‌گی غربی‌ها است، چون آن‌ها به احتمال زیاد فکر می‌کنند که دولت افغانستان و غربی‌ها به تیک تیک ساعت‌های شان فکر می‌کنند و طالبان به تنها چیزی که می‌توانند فکر نکنند، وقت است. شاید حامد کرزی، این واقعیت‌ها را بهتر از هر کس دیگر می‌فهمد، اما برنامه‌ها و دلبسته‌گی‌های قبیلوی خودش را دارد. شاید رگ غیرت ابدالی‌اش از دیدن یک غلزی در قدرت، در حال ترکیدن است!

امرالله صالح



عوامل افزایش اختطاف و جرایم بزرگ در شهر چیست؟ اگر روش همین باشد که هست، هیچ امیدی برای کاهش جرایم بزرگ و سازمان یافته در پایتخت وجود ندارد. عواقب اختطاف دوتن از استادان دانشگاه یا پوهنتون امریکایی افغانستان و ده‌ها جرایم بزرگ دیگر، برای جامعه اکادمیک، تجار، محصلین و شکل‌دهی انتباه و ذهنیت در مورد امنیت پایتخت و کل کشور بسیار منفی و تخریب کننده است. عوامل کلیدی افزایش جرایم سنگین و سازمان یافته در شهر کابل، ناشی می‌شود از نبود روحیه اطاعت و همکاری در سطوح مختلف پولیس، فریکسیون‌های موجود در وزارت داخله تا آن حد که شماری از مسوولین از اوامر وزیر و معین سرپیچی کرده و از جای دیگر هدایت می‌گیرند. جناح‌بندی در صفوف نیروهای امنیتی در کابل چنان شدید شده است که بیشتر انرژی رهبری صرف در شبکه‌سازی‌های خودی و گروهی می‌شود. در سطح استراتژیک تلاش برای صفارایی برای انتخابات آینده، جابه‌جایی‌های مصلحتی، سیاسی و منفعتی شدت یافته است.

بی‌انگیزه‌گی در سطوح پایین که خودشان را قربانی و پیش قراولان رقابت‌های ناسالم و تشنج درونی می‌بینند، رو به افزایش است. حسن بی‌تفاوتی بیداد می‌کند. یک حلقه مشخص درون حکومت، وزارت داخله را تبدیل به مغازه سهامی ساخته و رهبری وزارت را منزوی ساخته‌اند. به قربانی‌ها و تلاش شبانه‌روزی نیروهای رزمی کشور خویش فخر کرده و به آن‌ها از ته دل درود و حرمت می‌فرستیم، اما وضع در سطح رهبری چنان متشنج است که دیگر نمی‌توان خموشی اختیار کرد. دستاوردهایی که وجود دارد، اندک و غیرقابل ملاحظه است. بدون تغییر در پالیسی، روش، تعریف مجدد دسپلین و برطرفی چهره‌های ناکام این وضع تغییر نخواهد یافت. من مستند حرف می‌زنم.

کشور

اردوغان:

غربی‌ها ما را تنها گذاشتند

رییس‌جمهور ترکیه رهبران غربی را متهم کرد که پس از کودتای نافرجام اخیر، حمایت لازم را از انقره به عمل نیاورده‌اند.

رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه در مصاحبه با روزنامه فرانسوی لوموند، تأکید کرد: رهبران غربی به جای حمایت از انقره پس از کودتای نافرجام نظامی، تمرکز اصلی خود را روی مسأله بازداشت‌ها و پاک‌سازی بخش‌های مختلف ترکیه قرار دادند.

او در ادامه تصریح کرد: واکنش روسیه به اتفاقات ترکیه، کاملاً نسبت به غرب متفاوت بوده است. زمانی که آقای ولادیمیر پوتین با من تماس گرفت تا همدردی خود را اعلام کند، از من به‌خاطر برکناری یا بازداشت کسانی که مظنون به دست‌داشتن در این کودتا بوده‌اند، انتقاد نکرد، ولی همه رهبران اروپایی از من پرسیدند که چرا تعداد زیادی از سربازان را بازداشت کرده و چرا تعداد زیادی از کارکنان بخش غیردولتی برکنار شده‌اند.

او افزود: این مسأله نشان‌گر واقعیت مهمی بوده است که رهبران غربی ابعاد اتفاقاتی را که در ترکیه رخ داده، درک نکرده‌اند.

اردوغان گفت: رهبران غربی به جای نشان دادن همدردی و همبستگی خود، واکنش مخالفی را نشان دادند. این مسأله ما را ناامید و ناراحت کرد و این واکنش غیرقابل قبول بود. این واکنش‌ها بر خلاف ارزش‌هایی بود که رهبران غربی به آن افتخار می‌کنند.

اردوغان هم‌چنین به واکنش رهبران جهان به تیراندازی در دفتر نشریه شارلی ابدو در پاریس اشاره کرد و گفت: من انتظار داشتم که رهبران جهان به همین روش به اتفاقات ترکیه واکنش نشان می‌دادند.

رییس‌جمهور ترکیه در ادامه گفت: من از باراک اوباما رییس‌جمهور امریکا می‌خواهم تا گولن را بازگرداند. او از من اسناد و مدارک خواسته است. من به او یادآوری کردم که زمانی که امریکا از ما خواستار بازگرداندن تروریست‌ها شده، ما هرگز خواستار سند و مدرک نشدیم و تنها درخواست امریکا را انجام دادیم.

افزایش چشم‌گیر اخراج‌ها و عدم پذیرش پناهنده‌گان در آلمان

یک روزنامه آلمانی با استناد به اطلاعات وزارت داخله این کشور از افزایش چشم‌گیر پناهنده‌گان پذیرفته نشده در مرزهای آلمان و اخراج آن‌ها از این کشور در سال ۲۰۱۶ خبر داد. ظاهراً آلمان همواره پناهجویان بیشتری را در مرزها نپذیرفته و از ورود آن‌ها به کشورش ممانعت می‌کند.

روزنامه «اوزنابروکر سایتونگ» با استناد به پاسخی که به یک درخواست چپ‌ها در پارلمان آلمان داده شده است، نوشته است: در شش ماهه ابتدایی سال ۲۰۱۶، ۱۳۳۲۴ نفر از پناهنده‌گان یا در مرزهای آلمان و یا در فرودگاه‌ها پذیرفته نشده و از ورود آن‌ها به آلمان جلوگیری شده است که تعداد پذیرفته نشده‌گان ۵۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داده است. سال گذشته تنها ۸۹۱۳ پناهجو در مرزهای آلمان پذیرفته نشدند.

در سپتامبر سال ۲۰۱۵ دولت آلمان در نقطه اوج بحران پناهنده‌گان کنترل‌های مرزی را مجدداً اجرایی کرد. به‌ویژه مرزهای بین آلمان و اتریش حالا تحت نظارت قدرت‌مندان تری قرار دارد. در این مرزها در نیمه ابتدایی سال ۲۰۱۶ حدود ۱۰۶۲۹ پناهجو از سفر به آلمان ممانعت شده و پذیرفته نشدند. تقریباً از هر چهار پناهجوی پذیرفته نشده یک نفر افغانستانی بوده و هم‌چنین تعداد زیادی پناهجوی سوری و عراقی در بین پذیرفته نشده‌گان وجود داشتند.

به‌گزارش روزنامه «زوددویچه سایتونگ» با استناد به اطلاعات وزارت داخله آلمان در ماه جون حدود ۱۶ هزار پناهنده به آلمان آمدند. این درحالی است که در ماه نوامبر گذشته تعداد آن‌ها بیش از ۲۰۰ هزار نفر بود.

براساس این گزارش، شمار اخراج پناهنده‌گان از آلمان هم در نیمه ابتدایی سال ۲۰۱۶ افزایش پیدا کرده است. براساس پاسخی که به درخواست حزب چپ پارلمان آلمان داده شده است، در شش ماهه ابتدایی سال ۲۰۱۶، ۱۳۷۴۳ پناهجو از کشور آلمان اخراج شده‌اند. این در حالی است که در تمام سال گذشته تعداد اخراج‌ها ۲۰۸۸۸ و در سال ۲۰۱۴ نیز ۱۰۸۸۴ نفر بوده است. مقصد این اخراج‌ها براساس اطلاعات وزارت کشور در ۷۵ درصد موارد غرب بالکان بوده است.

حزب چپ آلمان انتقاد شدیدی به سیاست‌های سخت‌گیرانه آلمان در قبال پناهنده‌گان وارد کرده و سخنگوی سیاست داخلی حزب چپ در پارلمان آلمان در این باره گفت: آلمان غیرمسئولانه عمل می‌کند؛ زمانی که پناهنده‌گان را به عراق یا افغانستان باز می‌گرداند.

بانیوی المپیک:

۴ ماه بدون هیچ امکاناتی تمرین کردم



سی و یکمین دوره مسابقات جهانی المپیک بامداد روز جمعه در ریودزانیرو پایتخت برزیل افتتاح شد.

در این مراسم ۱۱ هزار ورزشکار از ۲۰۷ کشور جهان در ورزشگاه ماراکانای شهر ریو رژه رفتند تا مسابقات المپیک ریو ۲۰۱۶ را رسماً افتتاح کنند. کاروان المپیک افغانستان نیز به‌عنوان دومین کشور پس از یونان بنیان‌گذار مسابقات المپیک در این مراسم رژه رفت.

افغانستان در این دور از مسابقات با ۳ نماینده در ۲ رشته حضور یافته است. توفیق بخشی، در وزن ۱۰۰ کیلوگرم به نمایندگی از جودوی افغانستان در المپیک شرکت کرده است.

یکی دیگر از نماینده‌گان افغانستان در المپیک برزیل «عبدالوهاب ظاهری» قهرمان مسابقات دوی افغانستان است.

کیمیا یوسفی، نیز تنها بانوی افغانستانی است که با ثبت زمان ۱۴ ثانیه و ۳۴ صدم ثانیه، ضمن کسب مقام قهرمانی، به‌عنوان نماینده این کشور در المپیک ۲۰۱۶ ریو در برزیل حضور دارد.

خبرنگار سایت افغانستان خبرگزاری فارس به منظور آگاهی از وضعیت یوسفی در این دور از مسابقات، با این بانوی المپیک افغانستان به گفت‌وگو نشست.

او ابتدا اطلاعاتی درباره وضعیت شخصی خود ارائه داد و گفت: من اصالتاً قندهاری هستم و در سال ۱۳۷۵ در «مشهد» ایران به دنیا آمدم.

یوسفی افزود: در حال حاضر قهرمان مسابقات ۱۰۰ متر دو و میدانی افغانستان هستم و مدت ۳ سال می‌شود به‌صورت حرفه‌یی این ورزش را انجام می‌دهم. عضو کاروان المپیک افغانستان در خصوص حضور در این دور از مسابقات المپیک ریو می‌گوید: احساس خوبی دارم، نماینده ۳۰ میلیون نفر از مردم افغانستان در مهم‌ترین رویداد ورزشی جهان در المپیک هستم. او گفت: احساسم این است که یک مسوولیت بزرگ به من داده شده تا بتوانم نماینده‌گی خوبی از مردم در این رقابت‌ها داشته باشم.

بانو یوسفی افزود: تنها هدفم این است که بتوانم در المپیک ریو بدرخشم تا نام کشورم بر سر زبان‌ها باشد.

او اظهار داشت که حتا روزی فکرش را هم نمی‌کرده که وارد ورزش بشود و رسیدن به المپیک جهانی را حتا در رویاهای خود نمی‌دیده است.

یوسفی در خصوص حس و حال خود هنگام بازگشت به‌وطن خود برای اولین‌بار و شرکت در مسابقات جنوب آسیا گفت: همه چیز برایم تازه و جالب بود و حس و حال عجیبی داشتم.

عضو کاروان المپیک افغانستان بزرگ‌ترین مشوق خود برای حضور در این مسابقات را مادر خود می‌داند و می‌گوید: از همان اول بزرگ‌ترین مشوق من تا حالا که در المپیک هستم، مادرم بوده و است.

بانو یوسفی تصریح کرد: مادرم با وجود این‌که مشکلات زیادی دارد، مثل یک کوه پشت من ایستاده و اگر به این‌جا رسیدم، حاصل حمایت و تلاش‌های مادرم بوده است.

این بانوی المپیک کشور در ادامه، اوضاع ورزش در افغانستان را وخیم دانست و گفت: با توجه به‌شرایطی که من می‌بینم و بی‌توجهی دولت به ورزش و ورزشکاران، مخصوصاً ورزشکارانی که طی سال‌های گذشته برای افغانستان در میادین مختلف بین‌المللی مدال کسب کرده‌اند، طی سال‌های بعدی نباید منتظر رشد ورزش در افغانستان بود.

او خاطر نشان ساخت: فکر می‌کنم اگر این روند ادامه داشته باشد، هیچ مدال‌آور دیگری باقی نخواهد ماند و هیچ انگیزه‌یی نیز برای ورزشکاران نمی‌ماند، اوضاع واقعا نگران‌کننده است.

به گفته او، در المپیک کسانی شرکت می‌کنند که بهترین‌های ورزش یک کشور هستند. در بهترین شرایط و امکانات تمرین کردند، حداقل ۴ سال از المپیک قبلی تا المپیک ریو در بهترین شرایط روحی و مالی قرار داشتند و با آماده‌گی کامل در این بازی‌ها حضور دارند.

به باور او: آن‌ها در کمپ‌های حرفه‌یی زیر نظر بهترین مربی‌ها به کار خود ادامه دادند، اما من ۴ ماه بدون داشتن هیچ یک از این امکانات و حتا بدون مربی تمرین کردم و بدون داشتن کوچک‌ترین حمایتی جز مادرم خود را به این‌جا رساندم.

این بانوی المپیک افغانستان اذعان داشت: در روز مسابقه کنار سایر رقبا پشت یک خط قرار می‌گیرم. وقتی تفنگ شروع مسابقه شلیک می‌شود، من با این ورزشکاران در یک خط قرار دارم چطور می‌شود از من توقع کسب مدال داشت؟

بانو یوسفی اضافه کرد: چطور می‌شود این ورزشکاران با آن‌همه امکانات صاحب مدال نشوند و من مدال بیارم؟ همین که بتوانم رکورد خوبی از خودم ثبت کنم برای خودم و کشورم یک مدال است.

Mandegar

غنی:

تروریست دین، قانون، نژاد و قومیت نمی شناسد

ارتش پاکستان و «عملیات برای نابودی آخرین تروریست»



رئیس جمهور غنی در پیام تسلیت به مردم پاکستان به خاطر حمله تروریستی روز دوشنبه

ارگ ریاست جمهوری افغانستان با انتشار بیانیه‌ی اعلام کرد: محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان حمله تروریستی روز گذشته به بیمارستان شهر کویته در ایالت بلوچستان پاکستان را محکوم کرده است. وی اذعان داشت: حمله به مردم جنایت بزرگی است که در هیچ دین و قانونی قابل توجیه نیست. اشرف غنی تصریح کرد: دولت افغانستان متعهد است تا برای جلوگیری از فعالیت‌های تروریست‌ها در سطح ملی و منطقه‌ی تلاش‌های جدی را انجام دهد. وی در ادامه خاطر نشان کرد: دولت افغانستان بدون تفکیک تروریست‌ها به دو دسته خود و بد با همه آنها مبارزه می‌کند. رئیس جمهور افغانستان اظهار داشت: به دیگران

نیز توصیه می‌کنم بدون تفاوت قائل شدن بین تروریست‌ها علیه آنها اقدام کنند، زیرا تروریست دین، قانون، نژاد و قومیت نمی‌شناسد. عملیات ویژه ارتش پاکستان در ایالت بلوچستان پس از این رویداد، رییس ستاد ارتش پاکستان از آغاز عملیات ویژه مشترک ارتش این کشور در سراسر ایالت بلوچستان این کشور خبر داد. جنرال راحیل شریف رییس ستاد ارتش پاکستان پس از عیادت مجروحان حادثه خونین کویته در جلسه‌ی با حضور مقامات عالی نظامی و دولتی این کشور در ایالت بلوچستان اعلام کرد: ارتش پاکستان برای نابودی آخرین تروریست عملیات ویژه مشترک انجام می‌دهد. رییس ستاد ارتش پاکستان به نهادهای امنیتی و حساس این کشور توصیه کرد که علاوه بر عملیات ویژه در ایالت بلوچستان، می‌تواند در هر جای کشور عملیات ویژه علیه تروریست‌ها انجام دهند. وی افزود: تروریست‌ها پس از شکست در مناطق قبایلی در ایالت «خیبرپختونخوا» به سوی بلوچستان گریخته‌اند و مناطق مختلف را پناهگاه‌های امن خود ساخته‌اند. حمله انتحاری و تیراندازی روز دوشنبه در بیمارستان دولتی شهر کویته دست کم ۷۲ کشته و بیش از ۱۱۲ زخمی را بر جا گذاشته است.

پایگاه خبری روسیا الیوم

این روزها منطقه عربی روی اقیانوسی از فجایع مختلف شناور است، در این منطقه جنگ‌های متعددی به راه افتاده است که مشکلاتی چون حضور مزدوران، کشتارهای دسته جمعی مردم بی‌گناه، آدم‌کشی، بحران پناهجویان و نابودی اقتصاد از پیامدهای آنها است.

هر بار که مرگ قربانیان جدیدی در این منطقه از جهان یا هر نقطه دیگری را شاهدیم آقای دبیرکل سازمان ملل تنها نگران می‌شوند و البته بی‌حرکتی و ناکامی فرستاده‌هایش نیز ادامه می‌یابد. اکنون باید پرسید پس از چندین دهه کشور فلسطین کجاست؟ چه چیزی قطعنامه‌های بین‌المللی ضامن حقوق مردم فلسطین را بی‌اثر کرد؟ باید بگوییم در واقع این خود سازمان ملل است که حقوق بشر را نقض می‌کند.

در ظاهر به نظر می‌رسد سازمان ملل ابعاد مختلف این بحران‌ها چه در عراق، چه سوریه، چه در یمن، چه در لیبی و یا فلسطین را از نزدیک دنبال می‌کند و پیگیر تحولات آنهاست. دبیرکل سازمان ملل برای این بحران‌ها دو فرستاده بین‌المللی اختصاص داده که مرتباً به این منطقه آمد و شد دارند و با طرف‌های درگیر دیدار می‌کنند و بعد درحالی که پرونده‌های قطور کاغذی را به زیر بغل زده‌اند از این نشست‌ها خارج می‌شوند و همواره از طرح‌ها و راه‌های سازش سخن می‌گویند. اما این پیگیری‌ها تا اکنون هنوز بی‌نتیجه، ناکارآمد و تنها در حد حرف بوده و هیچ تأثیر و قدرتی نداشته است. این پیگیری‌ها حتی با وجود نشانه‌هایی از کاهش تنش‌ها در میداين جنگ بی‌نتیجه بوده و به باد فنا رفته‌اند.

نکته قابل توجه و ظریف در این موضوع این است که بان کی مون، پدر دیپلماسی بین‌المللی هنوز از حضور در افکار عمومی پس از خبرها و داستان‌های مستمر مرگ و کشتار در سراسر جهان و اکتفا به این سخن که نگران است، خسته نشده و چه بسا این ابراز نگرانی‌ها برای توجیه حضورش است. گویا او از «رنه دکارت»،

بان کی مون؛

رابین هود و یا دکارت؟



ریاضی‌دان بزرگ جهان اصل شک را به عاریه گرفته و این شک مبتنی بر این است که انسان به طور شک دستوری و سیستماتیک در همه چیز شک کند اما با فلسفه‌های علت و معلولی و توخالی، به این ترتیب هر بار که قربانیان جدیدی در این منطقه از جهان و یا هر نقطه دیگری به کام مرگ می‌روند، آقای دبیرکل تنها نگران می‌شوند و البته بی‌حرکتی و ناکامی فرستاده‌هایش نیز ادامه دارد.

از زمانی که آشوب به جهان عرب زده و در این کشورها کشتارهای عجیب رخ می‌دهد و گرگ‌های درنده در میان بره‌ها پنهان شده‌اند، هیچ یک از فرستادگان بین‌المللی موفق نشدند با طرحی عملی از این منطقه خارج شوند تا نام آنها به عنوان یک قهرمان صلح در تاریخ ثبت شود.

گرچه فرستادگان بین‌المللی به سوریه، یمن و لیبی تغییر کردند اما رویکرد سازمان ملل بدون تغییر بوده و این سازمان همچنان به تعلیق‌ها و توقف‌های خود ادامه داد. در مورد بحران‌های کشورهای عربی خوب می‌توان ناکارآمدی سازمان ملل را با تازه و غیرمنتظره بودن این وقایع توجیه کرد اما مساله فلسطین لکه ننگ بزرگی برای سازمان ملل است.

پس از گذشت دهه‌ها کشور فلسطین الان کجاست؟ چه چیزی قطعنامه‌های بین‌المللی ضامن حقوق مردم فلسطین را بی‌اثر کرد؟ باید بگوییم در واقع این خود سازمان ملل است که حقوق بشر را نقض می‌کند. گهگاهی آژانس امداد رسانی و کار پناهجویان فلسطینی (آنروا) به شکلی ناگهانی خدماتی که

تا پیش از این به جوامع فلسطینی در اردوگاه‌های داخلی و خارجی مختلف ارائه می‌کرد را کاهش داده و موجب وقوع لرزه‌های شدید در این جوامع شده که می‌توان آن را در تحصن‌های باز پیدا کرد.

در حالی که تعداد پناهجویان به دلیل سبک‌های زندگی رو به افزایش است اما منابع مالی آنروا برعکس این امر در حال کاهش بوده و کم کم همزمان با تولد کودکان جدید فلسطینی خشک می‌شود.

نقش کند سازمان ملل در غزه نیز همین گونه بوده است. در چند سال گذشته اسرائیل جنگ‌های متعددی از جمله «الرصاص المصوب»، «عامود السما» و «الجرف الصامد» را آغاز کرد که همه آنها مقابل دیدگان بان کی مون و فرستادگان بین‌المللی‌اش که به ابراز نگرانی عادت دارند، غزه را نابود ساخته‌اند. نیازی به گفتن نیست که غزه‌ای که اسرائیل آن را دشمن تلقی می‌کند منبع درآمدش بر صادرات گل استوار است، تولیدی که اسرائیل آن را تحریم کرده و به انواع راه‌ها مانع از صادرات آن شده است.

اما نکته تکان‌دهنده این است که اسرائیل با تمام مفاهیمی که با این اسم به ذهن می‌آید، رییس کمیته امور حقوقی سازمان ملل که مسئول رسیدگی به موارد نقض قوانین بین‌المللی است، شده است.

تصور کنید مثلاً دنی دانون، وزیر تندرستی کابینه بنیامین نتانیاهاو رییس این کمیته و مسئول رسیدگی به پرونده‌های نقض قوانین بین‌المللی علیه فلسطینی‌ها شده است.

من به شخصه تردید دارم که در این صورت دانون به عنوان رییس این کمیته به صورت خاص یک فلسطینی و به طور کل یک عرب را انسان بدانند و برایش تمامی حقوقی را که در قوانین بین‌المللی آمده، قائل باشند. این است سازمان ملل ناظر قوانین بین‌المللی در جهان و این بان کی مون است رابین هود مستضعفان و فقرا که تنها نگران می‌شود.